

# از گوشه و کنار شهر

## خوشحالم آنشب بعنوان نماینده دویت و پنجاه هزار ایرانی مقیم اسرائیل در افکار عمومی کشور هفت میلیونی اسرائیل رو سفید شدم

امید: احساس بسیار زیبایی است برای یک هنرمند اما مهم اینه که مردم در قلبشون مرا چطور احساس میکنند. این القاب برای من مهم نیست، من همون امید عزیز شما هستم و عضو کوچک جامعه هنری.

**کمال:** امید همه فکر میکردند چون کنسرت تو در بت یام به هم خورد اتفاقات بدی در انتظار تو و برنامه گزارت خواهد بود. ولی گویا به یکباره همه چیز برعکس شد. خودت چطور این مسئله را تجزیه و تحلیل میکنی؟

**امید:** حقیقت اینه که من هم مثل همه بسیار ناراحت شدم که پلیس برنامه را قطع کرد. البته دلیل درستی را هم آورد و گفت ظرفیت خیلی

بیشتر از حد سالن هست و چون تجربه تلخ چند سال پیش در سالن عروسی "ورسای" در اورشلیم هرگز از اذهان مردم پاک نخواهد شد، لذا پلیس فوراً برنامه را تعطیل کرد و دقیقاً هم همین جمله را گفت: که ظرفیت سالن غیر قابل تحمل هست، پس هرچه زودتر سالن را ترک کنید. باوجود تمام این ناراحتی ها و مشکلات واقعا مردم آنشب به من چقدر لطف کردند و روحیه دادند که هرگز از یادم نخواهد رفت. از طرفی دوست عزیزم آقای شهریار پورستیمیان که مسئولیت کنسرت من را بعهده داشتند متأسفانه خیلی ناراحتی کشیدند که بجاست در این موقعیت از صمیم قلب از این انسان پاک و درست و از این دوست بی ریا و درویش مسلک به خاطر تمام زحمات بی دریغی که در اجرای هرچه بهتر کنسرت بزرگ "هیخل هتربوت" انجام داد، تشکر کنم.

**کمال:** امید جان این خبر در سراسر اسرائیل پیچید و همه روزنامه ها از تو حرف زدند. اکثر تلویزیونها از تو گفتند و در برنامه معروف شو "الی یاسپان" هم شرکت کردی. این همه سروصدا به نظر تو یعنی چه؟

**امید:** مثل معروفی است در ادبیات فارسی که میگه: "خدا گر زحمت ببندد دری به رحمت بقیه در صفحه بعد

امروز امید به عنوان یکی از محبوب ترین و مطرح ترین چهره های موزیک ایران بشمار می آید. چهره ای که توانسته در این مدت زمان نه چندان طولانی به موفقیت چشمگیری که در دنیای موزیک خارج از کشور بی نظیر بوده، دست پیدا کند.

همانطوری که میدانید امید با آهنگ جاودانه "باران" در سال ۱۹۹۲ توانست به معنی واقعی کلمه یک شبه ره صد ساله را پیماید. اجرای بی نظیر او در آهنگ باران چنان در دنیا سر و صدا به پا کرد که حتی استاتید موزیک ایران او را یک پدیده استثنائی نامیدند. یکی از این بزرگان، آهنگساز معروف آقای محمد حیدری در



مصاحبه ای در مجله بین المللی جوانان از او به این عنوان یاد کرد که امید صدائی است که هر پنجاه سال یکبار در دنیای موسیقی ظهور میکند. یکی دیگر از بزرگان بنام حسن شماعی زاده از او چنین یاد کرد: که امید وقتی میخواند، شنونده خود را در همان ثانیه های اول با خود به سفر شعر و آهنگ میبرد. تسلط او در حنجره بی نظیرش بی سابقه بوده است. صادق نوجوکی آهنگساز معروف در جمله ای کوتاه اینچنین گفت: امید بسیار شیک میخواند. یکی دیگر از بزرگان تکرار نشدنی موسیقی ایران استاد جهانبخش پازوکی به او لقب صدای جاودانه عشق را داد. این ظهور آفتابی امید در موزیک ایران چنان غوغائی به پا کرد که هر روز به طرفداران امید اضافه و اضافه تر میشود.

در سفر جدید امید به اسرائیل به بهانه کنسرت پر سر و صدائی که در بت یام اتفاق افتاد و صدها بهانه دیگر با او به پای صحبت می نشینیم و سئوالات خود را مطرح خواهیم نمود:

\*\*\*

**کمال:** شاه موزیک ایران، الویس پریسلی پاریسی، سلطان موزیک ایران، صدای جاودان عشق، حضرت عشق، صدای ملکوتی که از مشرق به مغرب طلوع

گشاید در دیگری". اگر بخواهیم به این اتفاق نیک بنگریم همه شاهد بودیم و دیدیم که این اتفاق باعث شد بعد از سالیان سال که در مورد ایرانیان مقیم اسرائیل در خود اسرائیل حرف زیادی زده نمی شد (حتی یاد میاد هر چند سالی یکبار حتی در سالن بزرگ سینرما چندین بار برنامه موفق اجرا کردم ولی هرگز در اسرائیل صحبتی از اون نمی شد)، اما یکبار به خاطر این اتفاق اسم ایران و ایرانی در اسرائیل با افتخار و سربلندی در جلوی چشم هفت میلیون اسرائیلی به معرض نمایش گذاشته شد. و در شب کنسرت "هیخل هتربوت" ما حدودا دویست نفر اسرائیلی و آمریکائی در سالن داشتیم که میشه گفت شاید بیشتر از همه ما ایرانیان لذت بردند که این افتخار برای من و شما برای همیشه ثبت شد.

**کمال:** امید آنتشپ چه لباس زیبایی پوشیده بودی، ارکستر چقدر عالی بود، و از همه مهمتر چقدر پر انرژی و سر حال بودی. دلیلش چه بود؟

**امید:** جناب پنحازی، میتونم بگم احساس کردم آنتشپ نماینده ۲۵۰ هزار ایرانی مقیم اسرائیل هستم و اسرائیل داره مرا بعنوان نماینده این مردم نگاه میکنه و میخواد ببینه که ما کی و چی هستیم. من چون میدونستم که تعداد زیادی از روزنامه نگارها و مخصوصا از کانال ۱۰ تلویزیون، خبرنگاران و چند نفر مهم دیگر در کار موزیک در سالن حضور دارند و دارند مرا با ذره بین تماشا میکنند، خواستم به همشون بگم که ما اگر بخواهیم میتونیم بهترین ها باشیم که آنتشپ هم بهترین شدیم. ذوق و شوق تشویق مردم مرا به اوج آسمانها میبرد و فکر میکنم اگر در طول زندگی هنری ام چند برنامه شاهکار و دیدنی اجرا کردم یکی از آنها شب کنسرت ۲۶ جولای هیخل هتربوت بود که بجاست تک به تک هموطنان ایرانی مقیم اسرائیل را بیوسم و فشار دهم.

**کمال:** آنتشپ دو آهنگ عبری که خوندی واقعا گل کرد. آیا تصمیم داری آلبومی خاص بزبان عبری اجرا و ضبط کنی؟

**امید:** این همیشه برای من یک رویا و آرزو بود و فکر میکنم وقتش رسیده که اینکار را انجام بدم.

**کمال:** گفתי آرزو، بی اختیار یاد همسرت افتادم. آیا هنوز از زندگی با همسرت راضی هستی با وجود این همه شایعات...؟

**امید:** همانطور که خودت میدونی شایعه در زندگی هر هنرمند وجود داره. و تنها دلیلش بنظر من این هست که وقتی مردم هنرمندی را دوست دارند در مورد همه چیز او کنجکاو میشوند و دلشون میخواد بدونند که این هنرمند زندگیش چطوره، روزها چکار میکنه. چیزهای مورد علاقهش چی هستند و صدها چیز دیگر. و این سئوالات بهمراه خودش حرفهائی را هم میاره، حالا چه خوب چه بد. چه درست و چه نادرست. بنظر من باید هر هنرمندی خودش را در مقابل شایعات همیشه قوی و محکم نگه داره. همانطوری که از استاد زنده یاد خودم "بنان" جمله ای در ذهن خودم تا ابد خواهم داشت این هست

که گفت: امید اگر مردم برات زیاد دست زدند مبادا مغرور بشی و اگر هم برات دست نزدند مبادا که احساس ضعف و ناتوانی بکنی. معنی این جمله برای من این هست که یک هنرمند تا روزی که زنده است و مردم دوستش دارند باید با اونها رو راست و صادق باشه. من خوشحالم که این سؤال را از من کردی. چون یکی از همان شایعات از نوع بد این بود که شایعه ای درست کرده بودند که من از همسرم جدا شده ام و بقدری این شایعه قوت گرفته بود که حتی در برنامه های من مردم به راحتی از من این سؤال را میکردند. یک جمله همیشه گفته ام و همیشه خواهم گفت: من و آرزو مثل همه انسانهای روی زمین و مثل یک زوج خوب با هم زندگی میکنیم و خدا را شکر تا این لحظه با هم بوده ایم و تصمیم داریم به امید خدا همینطور به زندگی ادامه بدهیم و فعلا مشکلی هم نداریم.

**کمال:** امید کار تازه چه داری؟

**امید:** تا دلت بخواد کارهای شنیدنی و دیدنی که امید دارم این آلبوم تازه که در چند ماه آینده به بازار خواهد آمد مثل بقیه آلبومهای دیگر من مورد لطف مردم قرار گیرد.

**کمال:** برنامه بعدی کجاست؟

**امید:** حقیقتش اینه که یک برنامه بیشتر نخواهم داشت که آنهم روز بانوان خواهد بود که در روز شانزدهم همین ماه در تالار گالری پالاس اجرا خواهد شد و تاجائی که میدانم با برنامه هائی که به اسم روز بانوان تا به امروز گذاشته اند بسیار فرق خواهد کرد و بسیار جالب و دیدنی خواهد بود. برنامه بعدی در ترکیه خواهد بود در بیستم همین ماه در شهر آناتالیا که از سراسر دنیا مخصوصا از ایران به این کنسرت خواهند آمد و این برنامه در سالن بزرگ چهار هزار نفری خواهد بود که با ارکستر بزرگ خودم برنامه را اجرا خواهم کرد که شب دیدنی ای خواهد بود بعد از آن هم به آمریکا باز میگردم و انشالله تا سفر بعدی که با دست پر و با آهنگهای عبری به دیدار دوباره عزیزانم در اسرائیل برگردم. به امید دیدار و آرزوی موفقیت برای همه شما.

**کمال:** امید جان ما هم برای تو آرزوی موفقیت در همه مراحل زندگی خواهیم داشت.

\*\*\*

امید در ایران و سراسر دنیا با طرفداران میلیونی خود افتخاری است برای جامعه ایران و بخصوص ایرانیان مقیم اسرائیل. زیرا که ما او را از خود میدانیم و عشقی را که نسبت به او در دل داریم، میدانیم که عشقی است دو جانبه.

رسانه های گروهی اسرائیل امید را الویس پریسلی ایران و در خارج او را صدای جاودان عشق خطاب مینمایند ولی برای ما ایرانیان مقیم اسرائیل امید همیشه امید خواهد بود. امید ما ایرانیان. □



### سلسله مقالات در تجزیه و تحلیل اندیشه های حافظ بنگارش مهندس همایون ابراهیمی (داروگر)

پیر فرهیخته شیراز را مردم ایران زمین چون پیامبران دوست دارند و دیوان همایونیش را چون فرمانهای آسمانی بر دیده مینهند، زیرا حافظ از دل و جان برخاسته سخن میگوید و در لابلای واژه های برگزیده اش، مهر و دوستی است که کام شیفتگانش را شیرین میکند و امیدهاست که در دل میآفریند:

دل میرود زدستم صاحب‌دلان خدا را

دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

براستی در پس هر ابر قیر اندود و سیاه، آفتاب فروزنده ای پنهان است که دیر یا زود با درخشندگی امید بخشش، روشنائی و بهروزی را برای همگان به ارمغان میآورد و سیاه کاران و تند خویان و زور گویان که بر تخت نشسته اند! باید بدانند که پایان شب سیاه سپید است و این روزگار ناکامیها بزودی پایان برده خواهد شد:

کشتی شکستگانیم، ای باد شرطه برخیز

باشد که باز بینم دیدار آشنا را

چه زیبا و دلپسند و گوارا، آب ذلال اندیشه های همه پسندش را با چنان آرایشی دلنشین بهمگان پیش کش میکند و امید بهروزی را مژده میدهد که ما کشتی شکستگان دریای ژرف ندانم کاریها مانیم و خوش بینانه چشم به آینده ای دگر داریم با دیدار از آشنایان گریخته از آب و خاک و پنهان شده از شهر و دیار.

ده روز مهر گردون افسانه است و افسون

نیکی بجای یاران فرصت شمار یارا  
تا نیکی هست! زیبا اندیشی خواهان دارد. چرا بر منبر مینشینید و مردم را با سخنان فرینده به کشتار بی گناهان وامیدارید؟ از نابود شدن مادران باردار در کوی و بازار چه سودی میبرید؟ مگر نه اینکه آرزوهای بیمارگونه خود را برای نابودی مردمان بیشتر و بیشتر کنید و از بخاک و خون کشیدن پیرمردان و کودکان لذت ببرید؟

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا

این پیام آسمانی براستی زائیده اندیشه ایست که ایرانیان در راستای تاریخ پرفراز و نشیبشان همیشه از آن پیروی کرده اند و حافظ بازگو کننده آن در آرایشی دلنوازتر است ولی سیه اندیشان خون آشام در اندیشه آنند که با ساختن جنگ افزارهای کشتار همگانی مردم کشوری را بديار نیستی بکشاند و شگفتا که جهانیان در خوابند.

هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی

کاین کیمیای هستی قارون کند گذارا

این یادآوری ناب را حافظ با آرایشی دگر بر زندگی تنگ دستان دارد. او میداند که نداشتن و در کمبود زندگی کردن يك درد همگانی است چون در دوران او مردمان کوچه و بازار بیشترشان ندار و تنگ دست هستند و داروی آن درد همه گیر را در شادی آفرینی جستجو میکند و چون پزشکی فرزانه بیماران کوچه و بازارش را به شاد بودن و مست شدن و از هر دم زندگی سود بردن فرا میخواند و بر این باور است که شراب ناب هر بی چیزی را تا مرزهای دور میرسد و برای چند گاهی در دلشان شادی میآفریند و هر گدائی را قارونی سرمایه دار میکند:

خویان پاریسی گو بخشندگان عمرند

ساقی بشارتی ده رندان پارسا را

رندی را گونه ای مردانگی میشود برشمرد و مهرویان ایران زمین را پیر فرهیخته شیراز زندگی بخش و جان افزا میخواند و ساقی را فرا میخواند که آن دلبران خوش خو و زیبا رو را برندان مژده دهد.

فراموش نکنیم که در دوران سیاه خرافات فروشان منبرنشین، با چنین اندیشه ای مردمان را میخوارگی فرا خواندن، دل شیر و میخواد و زنده دلانی چون مولانا و حافظ اند که بی پروا بر دکانداران دین میبازند و مردم را به زیبا اندیشی فرا میخوانند و بر شیخان سیه کار و تارک اندیش مبتازند.

در کوی نیکنامی ما را گذر ندادند

گر تو نمی پسندی تغییر ده قضا را

نیکامان را حافظ مردمانی میشمرد که میخوارگی را گناه میدانند و او را در کوی و بازار خود راه نمیدهند و از خود میپرسد: اگر توان آنرا داری که آنچه پیش میآید را دگرگون کنی پس بیدان درآ. یا بسختی دیگر میگوید که دنیای نیکامان، همان دنیای اندیشه اوست که نه کسی از او ناخرسند است و نه آزارش به موری رسیده حافظ بخود نپوشید این خرقة می آلود

ای شیخ پاك دامن، معذور دار ما را

و چه شیرین منبرنشین را میگوید که: تو ما را در آن دنیای زیبای درویشی بگذار و برو و ما خوب میدانیم که خرقة ات شبها از می خوارکیهای پنهانی آلوده است. آیا بهتر نیست که دست از سر جهانیان بردارید و ما را با آن باورهای تند و ترسناکی که در چنته دارید تنها گذارید؟

پیوسته دلتان شاد و لبتان خندان باد.

همایون



انجام گرفت با وجود محدودیت جا و موزیک، جمشید همچنان جوابگوی شور و استقبال مردم و طرفداران صدای خود گشت. این اولین سفر جمشید به اسرائیل بود و امیدواریم در آینده باز شاهد دیدار این چهره موفق در اسرائیل باشیم.

## دعوت از مدیران شهید در همایش U.M.I

شرکت بزرگ و معتبر U.M.I وارد کننده اتومبیل‌های ساخت آمریکا در اسرائیل اخیراً در همایش بزرگی که بمناسبت مدیریت طرح امنیت در جاده‌ها با همکاری اداره پلیس کشور ترتیب داده بود از تعدادی از روزنامه نگاران منجمله کادر نشریه شهید دعوت نمود تا با حضور در این سمینار و آشنائی با طرح ابتکاری مذکور، اهم این امر مهم اجتماعی را در رسانه‌های گروهی منعکس سازند. ما سعی میکنیم در شماره‌های آینده به طرح امنیت جان مردم در جاده‌ها و نیز قوانین جدید پلیس اسرائیل در این زمینه بپردازیم.

## دعوت از مدیران شهید در جشن استقلال فرانسه

ماه گذشته طبق روال هر سال از مسئولین ماهنامه شهید دعوت گردید تا در جشن استقلال فرانسه که در خانه سفیر فرانسه در اسرائیل برگزار گردید شرکت نمایند.



در این جشن زیبا و باشکوه ضمن دیدار با تنی چند از دیپلمات‌های خارجی و داخلی و نیز هنرمندان مشهور، گفتگوهائی پیرامون مسائل روز مطرح گشت.

## توزیع کمک هزینه‌های تحصیلی به دانشجویان ایرانی

مراسم توزیع کمک هزینه‌های تحصیلی به دانشجویان ایرانی برای نهمین سال متوالی در دانشگاه تل آویو از سوی بنیاد "مکابیم" و شورای مرکزی جامعه مشهیدان اسرائیل برگزار گردید. در این مراسم که با حضور آقای شائول مفاض وزیر دفاع برگزار شد سخنانی توسط پروفیسور داوید منشسری و پروفیسور ایسرائیل تصنگ اساتید دانشگاه تل آویو و جناب آقای شهرام گبائی زاده نماینده بنیاد مکابیم از نیویورک ایراد گردید و سپس چکهای اهدائی در دو بخش به دانشجویان ایرانی و مشهیدی اهدا گردید.

## کنسرت بی نظیر امید

کنسرت بزرگ امید در تالار مجلل هیخل هتربوت یکی از موفق ترین کنسرتهای ایرانیان در تاریخ کشور اسرائیل بشمار میرود. موفقیت این کنسرت نه تنها بخاطر کثرت جمعیت بلکه بخاطر تمامی عوامل ترتیب دهنده شامل ارکستر کامل و هنرمند، ساوند قوی و تنظیم شده، نورپردازی، اجرای زیبای برنامه توسط امید و دیگر نکته‌های جانبی ولی اساسی بود که در مجموع یک برنامه بسیار آبرومندانه و درخور شان و افتخار جامعه بزرگ ما در کشور اسرائیل، مورد توجه رسانه‌های گروهی اسرائیل قرار گرفت.

## تور موفق مهستی و مهران



آقای هرتمصل "مدیر کاباره میراژه در اسرائیل که از زمان افتتاح کاباره خود تاکنون دهها برنامه موفق با هنرمندان مقیم خارج در اسرائیل ترتیب داده، ماه گذشته با دعوت از دو چهره مطرح موزیک ایران در لوس آنجلس: مهستی و مهران، مقام خود بعنوان یک برنامه

گزار معتبر و موفق را تثبیت نمود. استقبال پرشور مردم از برنامه‌های مهستی و مهران به حدی بود که این عزیزان مجبور شدند به دعوت آقای هرتمصل و برای جوابگوئی به شور و علاقه مردم، در حدود یکماه مهمان ما در اسرائیل باشند. نکته قابل توجه استقبال گرم مردم از صدای تازه و گیرای مهران بود که برای اولین بار به اسرائیل سفر می نمود. هرتمصل به ما قول داده است که بزودی سورپریزهای جالب دیگری را برای ایرانیان مقیم اسرائیل هدیه آورد.

## جمشید در اسرائیل گل کاشت

کنسرتهای اخیر جمشید خواننده خوش صدا و نوپای موزیک ایران که بدعوت مدیران کاباره بوستان به اسرائیل سفر کرده بود با استقبال شایان توجه مردم روبرو گشت. در اولین کنسرت در اسرائیل، جمشید در تالار مجلل گالری پالاس با صدای گرم و آهنگهای شاد و زیبای فارسی و کردی خود به روی صحنه رفت و بدون آنتراک در حدود دو ساعت به اجرای برنامه پرداخت. در برنامه‌های بعد که در کاباره بوستان

# خنده سرا



## جوك های ترکی...

وسط اردبیل به چاهی بوده هی ملت میافتادن توش، زخم و زبلی می شدن، میان تو شهرداری يك جلسه برگزار میکنن که واسه این مشکل يك راه حلی پیدا کنن. یکی از مهندسها پا میشه میگه: - یافتم! مایك آمبولانس می گذاریم بغل این چاه، هرکی افتاد توش رو سریع ببره بیمارستان. ملت همه هورا میکشن: آفرین! ایولا، دمت گرم. یه مهندس دیگه پا میشه میگه: الحق که همتون نفهمید! آخه اینم شد راه حل؟ بابا جان تا اون



آمبولانس طرف رو برسونه بیمارستان، که بدبخت جون داده. ما باید يك بیمارستان کنار این چاه بسازیم، که همه بهش سریع دسترسی داشته باشن. ملت دیگه خیلی حال میکنن، کف میزنن، سوت میکشن، که ایولا بابا تو چه مخی داری. یهو یه مهندس دیگه پا میشه میگه: الحق هرچی بهمون میگن خر، حقمونه. آخه این شد راه حل؟ این همه خرج کنیم يك بیمارستان بسازیم کنار چاه که چی بشه؟ مردم تعجب میکنن، میگن: خوب تو میگی چیکار کنیم؟ یارو میگه: بابا این که واضحه، ما این چاهو پر می کنیم، میریم نزدیک يك بیمارستان يك چاه می زنیم!!!

يك روز يك بچه کوچولو در کوبه قطار تو بغل مامانش مشغول شیر خوردن بود که مادر خواش می گیرد و بچه چهار دست و پا میره تو بغل يك زن سیاه پوست و زن شروع می کند به بچه شیر دادن. مادر بچه یکدفعه از خواب بیدار می شود و می بیند که بچه دارد از بغل زن سیاه پوست شیر می خورد و رو می کند به بچه و می گوید:  
- ای پدر سوخته، تو شیر کاکائو می خواستی و نگفتی؟

يك ترك و يك تهرانی و يك اصفهانی قرار گذاشتند به پیک نیک بروند. تركه گفت: من نان و کتلت میارم. تهرانی گفت: من هم نوشابه و میوه میارم. اصفهانی میگه: شماها که همه چیزو گفتید، پس من هم خودمو میارم.

قزوینی ۳۵ سال سن داشته بهش میگن چرا تا الان مجرد موندی و ازدواج نکردی؟ میگه والا تا الان برادر زن دلخواهم رو پیدا نکردم.

يك روز به يك هموطن رشتی میگن: که شما ناراحت نمی شوید این همه برای شما جوك درست می کنند؟  
رشتی با کمال خونسردی میگه: شاید برای شما جوك باشد، اما برای ما خاطره است.

ترکه هر روز زنگ يك کلیسا رو میزده و در می رفته. آخر پدر روحانی شاکی میشه، يك روز پشت در کمین می کنه، تا ترکه زنگ می زنه، خرسو می گیره و می پرسه چیکار داری؟ ترکه حول میشه، با تته پته میگه: ببخشید، عیسی هست؟!.

از ترکه میپرسن: چند تا بچه داری؟ ۴ تا از انگشتاشو نشون میده، میگه: ۳ تا. ملت کف میکنن، میگن: بابا اینا که ۴ تاست؟ ترکه انگشت کوچیکشو نشون میده، میگه: این بچه همسایونه، ولی همیشه خونه ماست.

یه ترکه يك خیار برمیداره می بره سوپرمارکت به فروشنده میگه: ببخشید آقا خیار شور دارید؟ فروشنده هم میگه بله داریم. ترکه هم میگه پس بی زحمت این خیار ما رو هم بشور.

ترکه میره حموم، آب جوش بوده با نعلبکی دوش میگیره